



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۵/۲۶



س. ح. روغ

## به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟

گفتار هفتم  
۱۹/۰۲/۱۳



### یخ ها آب می شوند!

تقاطع جریانات گوناگون بالاخره بن بست در افغانستان را در هم می شکند! سفر وزیر دفاع جدید امریکا به کابل و ملاقات های متعدد وی در کابل، این شبهه را از میان برداشت که گویا کوشش های امریکا برای یافتن یک «فرصت صلح»، بدون در نظر داشت دولت افغانستان، و یا بر علیه دولت افغانستان جریان داشته باشد. این سفر موقف داکتر غنی را مستحکم تر ساخت؛ برای بار نخست جنرال اسدالله خالد وزیر دفاع افغانستان، شانه به شانه وزیر دفاع امریکا، وارد قصر ریاست جمهوری افغانستان شدند!!

و امرالله صالح برای یک مصاحبه با بی بی سی فراخوانده شد؛ و صالح، که از موقف معاون داکتر غنی سخن می گفت، هوشیارانه و با در نظر داشت همه مصلحت های متعدد، پاسخ های معتدل و سنجیده داد؛ اما از اولین سوالات خبرنگار بی بی سی این بود که دولت افغانستان چه جوابی دارد به این که تولید مواد مخدر در افغانستان این چنین افزایش یافته است؟

خبرنگار بی بی سی نگفت که چرا چنین یک سوالی را از یک مقام افغان می پرسد؟ افغانان را به افزایش تولید مواد مخدر چی غرض؟ در سال ۲۰۰۰ ملل متحد به همان ملاعمر معروف وعده داد که اگر طالبان تولید مواد مخدره را متوقف بسازند، پس ملل متحد دولت طالبان را برسمیت می شناسد؛ همان ملاعمر مخوف هدایت داد که کشت مواد مخدر قطع شود و در ظرف یک سال تولید مواد مخدر در افغانستان به صفر تقرب داده شد؛ این حقیقت بمانند تاریخ معاصر افغانستان در گزارش های رسمی ملل متحد درج است؛ از آن به بعد تولید مواد مخدر در افغانستان قریب ۸۰۰ بار افزایش یافته است؛ پس دنیا بیاید، و خود انگلستان بیاید، و به افغانان توضیح بدهد که تولید مواد مخدر در افغانستان را کی این چنین دیوانه وار تشدید کرده است؟؟ چرا خبرنگار بی بی سی نمی پرسد که ملیارد های نارکو-

دالر به بانک های کدام کشور ها سرازیر می شوند؟ چرا خبرنگار بی بی سی هیچ پوزشی ندارد در برابر ۳ ملیون معتاد افغانستان که در مرگ تدریجی دست و پا می زنند؟

•

در این میان در بیانات داکتر خلیل زاد دو تغییر مهم ظاهر شدند: یکی این که خلیل زاد گفت کوشش های وی دیگر خاصاً معطوف به «توافق با طالبان» نیست، بل به پیروی از رهنمود های پرزیدنت ترامپ، معطوف است به این که یک «فُرصت صلح» ایجاد شود؛ دیگری این که خلیل زاد کورگره کوشش های خود را نشانی داد؛ خلیل زاد این نظر طالبان را مطرح کرد که یک مجلس دایر شود که در آن همه جوانب افغانی شرکت کنند و دولت افغانستان صرفاً یکی از این جوانب باشد؛ دولت افغانستان از نظر اصول با این نظر مخالفت کرده است و می گوید روند صلح باید در ملکیت افغانان باشد، یعنی تحت نظر دولت افغانستان به پیش برده شود؛

اخیراً داکتر غنی این موضع دولت افغانستان را بیشتر انکشاف داد و اعلام کرد که به شورای صلح وظیفه داده است تا بزودی یک «لویه جرگه مشورتی»، با شرکت همه جوانب افغانی، یعنی بشمول طالبان، در کابل دایر گردد و این لویه جرگه درباره نسخه و مدل صلح در افغانستان به یک فیصله برسد؛ داکتر غنی در این باره سخن گفت که تعدیل در قانون اساسی افغانستان میتواند از مسایل این مدل صلح باشد؛ و گفت بررسی تاریخ منازعات نشان می دهد که یکی از نکات مهم اجماعی در راه صلح، تعدیل در قانون اساسی ها بوده است؛

و این یکبار دگر نشان می دهد که اصرار دولت داکتر غنی برای اتکا به قانون اساسی درست است! صلح فقط در مطابقت با قانون اساسی، و در تحت رعایت پیگیر قانون اساسی، می تواند یک روند قابل اعتماد، و همه شمول، و پایدار شود!

قانون اساسی همان حبلی است که ما «جمیعا» باید به آن چنگ بزنیم! بدین ترتیب پس از ۴۰ سال کش و گیر نفسگیر، اینک گفتگوی بین الافغانی در میان می شود که راه را بسوی تاسیس «اجماع افغانی» می گشاید؛

انکشافات اخیر یک طلسم جهان کنونی را هم می گشاید و افشا می شود که عامل و مانع اصلی در راه یک اجماع افغانی، در میان خود افغانان نبوده است؛ مداخله لگام گسیخته جوانب متعدد جهانی و منطقوی عامل اصلی بوده که مانع پیدایی یک اجماع افغانی می شده است؛ افشا می شود که هر کدام، یک بخش از افغانان را گروگان گرفته اند؛ و هر کدام به سهم خود افغانان را سوق می کرده اند که همدیگر را بکشند؛ کتاب تلک خرس فقط یک گوشه این حکایت دردناک را می گشاید که این وضعیت چگونه، و از طرف کی ها، بوجود آورده شد .

این جنگ، جنگ افغانان نبوده است! این جنگ، جنگ ما افغانان نیست!!

افغانان زمانی به خود می رسند، و بخود می آیند، که مردانه وار خود را از نفرین این «جنگ دیگران» آزاد بسازند! معلوم شد اجماع افغانی و اجماع منطقوی و اجماع جهانی یک شبکه سخت در هم تنیده هستند؛ و تا وقتی که جوانب جهانی و جوانب منطقوی خسته نه شده بودند، تیاتر گدی جنگ افغانستان ادامه داشته است!! و اینک که بازیگران پشت پرده دیگر جنگ را به نفع خود نمی بینند، همان جنگندگان قهار هم می گویند که همین میز گرد هم عجب چیزی بوده است!

بدون تردید فعالیت های سالم بینالمللی برای ختم جنگ افغانستان را باید حرمت گذاشت؛ یک ابتکار دولت آلمان فعالیت های بین المللی صلح را وارد یک مرحله نو و بسیار مهم ساخته است؛ دولت آلمان اعلام داشت که برای یک کنفرانس بین الافغانی، از نوع «بن»، آمادگی می گیرد. بدین ترتیب یک «بُن سوم» در راه است که بدون تردید یک نقطه چرخش مهم قرار می گیرد.

•

و خبرنگار بی بی سی از صالح پرسید که بنظر شما داکتر غنی چی کار های مهم کرده است؟  
ما گزارش اجراءات داکتر غنی را نمی دانیم؛ اما دو کار مهم را داکتر غنی حتماً کرده است:  
یکی این که وقتی صدراعظم کامرون گفت در افغانستان فساد دولتی زیاد است؛ و افغان ها از پایان تا بالا دزد هستند؛ داکتر غنی شخصاً آمد به لندن و از پشت تریبون صریحاً، و بدون مجامله، به صدراعظم کامرون پاسخ داد: «دزد شما هستید!!»

دیگری این که داکتر غنی منطق حرکات ژئوپولیتیک افغانستان را دگرگون ساخت؛ و در طی فقط چار سال، آن موقف ششدر را در هم شکست که مطابق به نقشه انگلیس از مدت ۸۰ سال به اینطرف بالای افغانستان تحمیل شده بود؛ و اینک همه با دهان باز ناظر هستند که افغانستان چنان بحرکت آمده است که دیگر با کیسه بری های ژئوپولیتیک پاکستان و ایران نمی توان آن را متوقف ساخت؛ داکتر غنی دلایلی را از دست بازیگران منطقوی، و جهانی، بشمول انگلستان، باز گرفته است، که این ها همه از طریق آن دلایل، افغانستان را در آتش مداوم نگاه داشته بودند!  
این است کار مهمی که داکتر غنی کرده است!

چنین است که امروز گویا در پارلمان ایران این نظر مطرح شده که ایران در برابر آب هیرمند به افغانستان تیل بدهد!  
چنین است که وقتی داکتر غنی اعلام کرد به غیر از پشتون ها و بلوچ، دیگر هر پاکستانی و پنجابی که می خواهد وارد افغانستان شود، باید ویزه بگیرد؛ در این وقت تمام ستون فقرات پاکستان بلرزه آمده است!  
چنین است که اینک همه همسایگان عجله دارند تا خود را با حرکاتی هماهنگ بسازند که ابتکار آن حرکات در دست افغانستان است!

افغانستان برای بار نخست ابتکار را در دست می گیرد!

و چنین است که حرکات عمومی در ژئوپولیتیک افغانستان، یکباردگر این حقیقت را برهنه ساخت که سرنوشت صلح همه کسانی را منزوی می سازد که ماشین جنگ را چالان کردند تا وطن را تالان کردند!  
و چنین است که امروز تلویزیون طلوع در افغانستان یک برنامه را نشر کرد که جوانان افغانستان را به گفتگو فراخوانده بود؛ و جوان افغانستان این پرسش را مطرح می کند که جای جوانان در صلح جاری در کجا است؟  
سرنوشت صلح دیگر از دست چند تا «بیلو» بیرون رفته است؛ جوانان افغانستان، و زنان افغانستان، با شخصیت مستقل وارد روند صلح می شوند! جوانان افغانستان، و زنان افغانستان، بیشتر از ۷۰ فیصد نفوس افغانستان هستند؛  
صلح آینده را این نیرو ها شکل می بخشند!

بلی یخ ها آب می شوند!

•

می گویند که یک رهگذر در یخبندان زمستان از یک کوچه می گذشت؛ یک سگ پاسبان را جایی بسته بودند؛ و این

سگ بسیار می عفید! رهگذر ناراحت شد و بزمین خم شد تا سنگ بگیرد و سگ را بزند! اما سنگ ها را یخ زده بود؛ و رهگذر به سگ گفت: «یخ ها آب شوه، باز مه نشانت میتم که اینقدر عفیدن سنگ بدنبال دارد!»

•

اینک یخ ها آب می شوند!

سنگ ها از یخ آزاد می شوند!

پس سگ ها به گوشه بخزند!

پایان گفتار هفتم



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (قسمت هفتم)

[Rogh\\_h\\_ba\\_watan\\_tshikoona\\_bengarem\\_۷.pdf](#)